



گفت و گو با حجت الاسلام علیزاده، رئیس کل دادگستری استان تهران

روزنه‌های امید

ماهانامه قضاوت با تصمیم رئیس کل دادگستری استان تهران در نامه‌ای به شماره ۵/۴۳۸۸ مورخ ۸۱/۷/۲۲ به اصطلاح سینمایی‌ها کلید خورد و اینک سی و دومین شماره آن پیش روی شماست. در حالی که چهارمین سال انتشار را پشت سر می‌گذاریم، بار دیگر درخواست گفت و گو با آقای علیزاده را مطرح کردیم و این بار بخت مساعد بود و در آستانه روز قوه قضاییه خواست ما اجابت شد. حقیقت امر رئیس کل دادگستری استان تهران را تنها از خلال مطالب و عکس‌های منتشره در مطبوعات کثیرالانتشار دیده بودم و از این رو تصویر دیگری در ذهن از او داشتم. وارد اتاق که شدیم آقای علیزاده به کارهای مشغول بود اما بلافاصله با لبخندی به ما خوش آمد گفت و دقایقی بعد با مطالعه سؤالات ما حرف‌هایش را آغاز کرد. گفت و گو ۱۰۰ دقیقه به طول انجامید و او با احساس گرمی که دور از تصور من بود سخن می‌گفت. اهل خراسان است و نوستالژی دیارش را با خود همراه دارد و مثل همه از داد و بیدادهای استان پرماجرایی تهران آزرده است، به نحوی که به قول خودش اگر روزی از پرونده‌های جنجالی این شهر و شهرستان‌های آن‌رهای یافت در نخستین گام به مشهد باز می‌گردد. محور صحبت‌های ما در باره توسعه‌ی قضایی آیت‌الله هاشمی شاهرودی و بحث مهم آموزش در دستگاه قضایی بود، شمرده و حساب شده از گذشته تا حال مباحث را یادآوری می‌کند و هنوز اعتقاد دارد که در ابتدای راه است. حساسیت شدیدی برای ارتقای علمی پرسنل قضایی و اداری دارد و سرمایه‌گذاری در این امر را اصلاً هزینه کردن نمی‌داند و با لهجه شیرین خراسانی‌اش آن را «سرمایه در جیب انداختن» می‌خواند، هرچند که در میانه‌ی بودجه آموزشی دیدگانش پر می‌شوند که در انتهای ضابطه مصاحبه بار دیگر از او در این باره می‌خواهم تا اگر ناگفته‌ای دارد، بگوید و آقای علیزاده هم با بیان این شعر جواب می‌دهد: «با درد بساز، چون که دوی تو منم/ در کس منگر که آشنای تو منم/ اگر کشته شدی مگو که من کشته شدم/ شکرانه بده که خون بهای تو، منم». از اتاق که بیرون می‌آیم با خود عهد بستیم تا دیگر به تأیید و تکذیب‌های مطبوعات سیاسی توجه نکنم.

یزدی به مدت ۱۰ سال مدیریت قوه قضائیه را بر عهده داشتند. در زمان شورا، اگر می‌خواستیم دستوری بگیریم یا مطلبی را به اطلاع آقایان برسانیم اول آن که تک تک به اطلاع می‌رساندیم. حتی در جلسه شورای عالی قضایی می‌رفتیم اما باز تصمیم‌گیری مشکل بود.

قوه قضائیه بعد از انقلاب تطورات و تغییرات متعددی داشته است. البته در این فرصت در صدد ارزیابی و بررسی این تغییرات نیستیم، اما پس از آن که طبق اصلاح قانون اساسی، شورای عالی قضایی به مدیریت واحد تبدیل شد، در آن تاریخ حضرت آیت‌الله جناب آقای

■ از شورای عالی تا قوه قضاییه

خوشحال هستم و خدا را شکر می‌کنم که توفیق یافتم در خدمت شما باشم. به همین مناسبت مسائلی را که در ذهنم است و انشاءالله شاید که مفید باشد به عرض شما و خوانندگان مجله برسانم. شما می‌دانید

سیستم و برنامه فرق کرده ما باید در این مسیر قرار بگیریم.

■ **اطاله دادرسی جامعه را رنج می دهد**

الآن یکی از چیزهایی که جامعه را رنج می دهد اطاله دادرسی است. ما قبول داریم که اطاله دادرسی برای دستگاه قضایی مشکل درست کرده و مردم را ناراضی کرده، هرکس یک طرحی می دهد. اطاله دادرسی چیست؟ ما می گوئیم مردم باید به طور سهل و آسان به دستگاه قضایی دسترسی داشته باشند و زود هم به نتیجه برسند. پرونده داریم سه سال، چهار سال، ده سال کمتر یا بیشتر طول می کشد. اینها برخلاف عدالت اسلامی است. اینها نه تنها عدالت را محقق نمی کند بلکه خلاف عدالت محقق می شود. ما پرونده ای داشته ایم که ۲۴ سال سن دارد. این یعنی چه؟! خب می گوئید اینها نادر است، فرض کنیم که نادر هم باشد. اما پرونده های ما به طور عادی دو تا پنج سال طول می کشد و اگر کسی سروکارش به دادگستری بیفتد و مثلاً بخواهد یک اختلاف ملکی را مطرح کند باید دو سال بدود. بعد برود محکمه تشخیص، بعد از آنجا به محکمه تجدیدنظر باز می برگردد و برود و بیاید، بعد که حکم بگیرد و معلوم نیست این که حکم دائمی است یا خیر. باز دوباره ده سال دیگر نوه ای، بچه ای پیدا می شود و به عنوان اعاده دادرسی باز طرح دعوی می کند. اینها خلاف عدالت است. خلاف آن چیزی است که آیت الله شاهرودی

▼ **توسعه قضایی عبارت است از یک سلسله کارهای علمی و تحقیقاتی تا وصول به عدالت را سهل تر و آسان کند.**



آیت الله فلسفی و حضرت آیت الله مرتضوی در مشهد خوانده ام و اساتید بزرگوار دیگری داشته ام که خود من به عنوان یک طلبه کوچک، فضاوت و مقدمات آن را خوانده ام و در آن بحث و استدلال کرده ام و خدمت بزرگانی تلمذ کرده ام که مثل آیت الله فلسفی یک مجتهد مسلم است و اگر من از ایشان تمجید کنم کثر شأن ایشان است. به خودم اجازه نمی دهم من از ایشان تعریف کنم. در هر صورت عرض من این بود و الآن هم هست، آن چه که از نظر شرعی موظفیم و ملزمیم رعایت کنیم، احکام شرع است. اسلام ما در رابطه با مسائل قضاوت احکامی دارد و چون معتقدیم احکام الله توفیقیه است، لایتغیر است، آن احکام روی چشم ما و کسی حق ندارد به آن احکام تعرض و تعدی بکند. فتاوی فقها در احکام مثلاً حد سرق، حدود، دیات اینها مسلم است که قابل تغییر نیست، اما تعزیرات قابل تغییر است. چون تعزیرات به نظر حاکم است و حاکم می تواند با توجه به احوال و اوضاع و زمان و مکان در آنها تغییر دهد. پس غیر از احکام که صدر صد باید تابع باشیم، آیین و روش دادرسی، آنطور که عقلاً برای رسیدن به اصل دادرسی انجام می دهند ما باید انجام دهیم. این ربطی به شرع ندارد و شرع در این جا نظر خاصی ندارد. باز نباید اینها به جایی برسد که به خلاف شرع منتهی شود. این را قبول دارم. اما شرع این جا در آیین دادرسی چه آیین دادرسی کفتری و چه حقوقی برنامه خاصی ندارد. بله باید صبغه اسلامی داشته باشد. جایی که صبغه اسلامی و غیر اسلامی با هم تعارض داشته باشند مسلم است که ما صبغه اسلامی را می گیریم، پررنگ می کنیم و بقیه را رها می کنیم. اما آیین و روش دادرسی ما معتقدیم در اسلام برنامه خاصی ندارد، هرچه زمان و مکان و مقتضیات شرایط اوضاع اقتضا کند می توانیم عمل کنیم. این قدر که خلاف شرع نباشد، اما این که مطابق شرع باشد یا نه ما چنین وظیفه ای نداریم. این وظیفه را داریم که مخالف صریح شرع نباشد.

بنابراین اگر ما بتوانیم این معنا را در جامعه قضاوت جا بیاندازیم و آموزش بتواند این رسالت را به متصدی ظهور و عمل برساند، به نظر من بیشترین خدمت را کرده است و این چیزی است که آقای شاهرودی می فرمایند. البته نمی خواهم بگویم که مبنای آقای شاهرودی را صددر صد بدلم اما نسبتاً تا حدودی بدلم. چون اینها مبنایی است. وقتی که ما این مبنا را بگیریم، دیگر خود را درگیر آیین و روش های دادرسی پنجاه سال پیش نمی کنیم. آن موقع یک مقتضیاتی داشته است ولی امروزه مقتضیات و شرایط خیلی تغییر کرده است. مثلاً اگر می خواستیم ۵۰ سال پیش فردی را از زندان احضار کنیم، یک دعوتنامه می نوشتیم و به مأمور می دادیم و او با گاری یا پیاده یا دوچرخه به زندان می رفت. اما امروز می تواند در اتاق نشست باشد و توسط رایانه دعوتنامه را به زندان ارسال کند و به راحتی احضار کند. این که می گویم فرق کرده منظور من این موارد است. الآن قضاوت الکترونیک مطرح است که به جای نیروی انسانی از ماشین استفاده شود. پس چون

چون شورا اداره می شد پنج نفر از نخبگان و متخصصان در این امر می نشستند و هر کدام یک مبنای علمی، یک مبنای فقهی و یک مبنای مدیریتی داشتند و به همین علل سخت به تفاهم می رسیدند تا برسد به این که منفرداً با آنها تماس بگیریم و یا خدمتشان برسیم. زمانی که تبدیل شد به مدیریت واحد و آیت الله یزدی این مدیریت را به عهده گرفتند، چون ابتدای کار و شروع کار مدیریت واحد در قوه قضائیه بود تا این قضیه سر و سامان بگیرد مقداری زمان برد. آن دوره ده ساله هرچه بود آیت الله یزدی و ستاد مربوط به ایشان زحمت کشیدند، کار را شروع کردند، در مسیر قرار گرفتند و مقداری از مسیر را طی کردند. در ادامه کار و پس از پایان ۱۰ سال، مدیریت قوه قضائیه به عهده حضرت آیت الله شاهرودی گذاشته شد.

■ **توسعه قضایی**

این را همه می دانند که شخصیتی زعامت قوه قضائیه را به عهده گرفت که یکی از مجتهدین مسلم حوزه های علمیه است. یعنی یک مرجع تقلید. همه اهل فن و کارشناسان و صاحبان اندیشه حوزوی به این مسئله اذعان دارند. ایشان از بدو ورود خویش مسایلی را مطرح کردند که روند کار برای تحقق عدالت بود. بررسی کدهای مقدماتی، رسیدگی های قضایی و شبه قضایی که انجام می شد برای وصول به عدالت و احقاق حق است. آیت الله شاهرودی با آن فکر ژرفی که دارد، حواسند به مسیر عمق ببخشند و تحقیق کنند و از هدین رو توسعه قضایی را مطرح کردند؛ نه این که قوه قضائیه از نظر بدنه گسترش پیدا کند. ضمن این که اگر در جایی این کار ضرورت داشت، انجام شود، اما هدف اصلی گسترش بدنه نبود. توسعه قضایی عبارت بود از یک سلسله کارهای علمی، تحقیقاتی و مقدماتی در عین حال که صبغه علمی و اسلامی دارد، وصول به عدالت و حق را هم سهل تر و هم زودتر کند. یعنی پیچ و خم های غیر ضروری برداشته شود و کارها بر اساس یک برنامه مدون برای مردم و همین طور برای قضاوت سهل و ساده شود. ایده حضرت آیت الله شاهرودی که ارائه شد به رغم این که خیلی توضیح داده شد، اما نتوانست در ابتدا آن طور که شایسته این موضوع مهم بود جا بیفتد. به این حساب عده ای آمدند زمره بندی کردند که اگر ما این کار را انجام دهیم خلاف شرع است، عده ای آمدند گفتند که مدت های مدیدی قوه قضائیه در همین مسیر بوده و به این ترتیب کار کرده و اگر دست به این تشکیلات بزنیم خراب می شود. مثل این که یک عده قبل از آقای شاهرودی دست به ترکیب تشکیلات زدند و اشکالاتی به وجود آمد. عده ای هم حال و حوصله این کار را نداشتند. اینها هر کدام بحث عمیق خود را دارد و من اگر بخواهم تمام جوانب مسئله را بگویم مثل مشهور «مثنوی هفتاد من کاغذ» می شود.

■ **نقش آموزش در تحقق عدالت**

ما در آن موقع طرح توسعه قضایی را بررسی کردیم منتها جری در ابتدای راه بودیم جانیفتاد. اولاً این را عرض کنیم. من دو دوره عمیقاً و بعد هم چند دوره متفرقه قضاوت را پیش اساتید مهم و بزرگی مثل حضرت

در پی آن است. این‌ها باید مورد بررسی و تحقیق قرار بگیرد و ببینیم علت چیست. این‌ها مباحثی است که ما درباره دستگاه قضایی داریم.

■ مردم در جریان امور قضایی نیستند

یک بحث دیگر این‌جا مطرح کنم و آن این است؛ بعضی از افراد پس از آن‌که دادگاه بدوی رای داده، دادگاه تجدیدنظر رای داده و محکمه تشخیص هم رای داده باز هم می‌آیند و پیگیری می‌کنند و می‌گویند حق به ما نرسیده است و حق ما ضایع شده است. مردم در جریان امور قضایی قرار نگرفته‌اند و آگاهی لازم را ندارند. کسی که تجارت خارجی انجام داده است، مقررات تجارت خارجی را می‌داند. کسی در یک رشته دیگری کار می‌کند در همان رشته تخصصی خودش تمام قوانین و بخشنامه‌ها را می‌داند. اما تشکیلات قضایی با این اهمیتی که دارد، تضمین عدالت اجتماعی و فردی با اوست، بروید از مردم درباره روند دادرسی چیزی پرسید می‌گویند ما چیزی بلد نیستیم. در کشورهای خارجی هم همین‌گونه است چیزی بلد نیستند و یا کم آگاهی دارند. آن‌ها وکیل خانوادگی دارند و اگر مسئله‌ای پیش آمد به او مراجعه می‌کنند و تفویض اختیار می‌کنند و او کارها را پیگیری می‌کند و دیگر خود فرد به دادگستری مراجعه نمی‌کند. مثل آمریکا و اروپا و مثل خیلی از کشورهای آسیای میانه. در کشور ما متأسفانه این‌گونه نیست و هر کس می‌خواهد خودش پرونده‌اش را بررسی و پیگیری کند. در حالی که دادگستری با آیین و روش صحیح قانونی پیش می‌رود و وقتی شخص آمد و موضوع را بلند نبود طبعاً به حق خودش نمی‌رسد و عدالت ضایع می‌شود. در این‌جا قضات چه تقصیری دارند، تشکیلات قضایی تقصیری ندارد. قاضی با کمال بی‌طرفی باید حرف دو طرف دعوی را بشنود و مدارک را نگاه کند و حکم دهد و ممکن است با این شرایط عدالت آن‌گونه که باید، اجرا نشود.

■ فصل خصومت یا احقاق حق

در این‌جا فقها بحثی دارند که اشاره‌ای کوتاه به آن می‌کنم و آن این‌که آیا قضاوت به معنای احقاق حق یا به معنای فصل خصومت است؟ این خود یک بحث علمی است. فقهای بزرگوار ما در حوزه‌های علمیه، هر کدام دارای مبنایی در این مورد هستند. اما چیزی که ما پیگیری می‌کنیم این است که قضاوت به معنای فصل خصومت است؛ قاضی باید جد و جهدی که دارد به کار بگیرد تا وصول به حق برای او محقق شود اما اگر ادله طرفین را دید، و طبق قانون برای صدور آن حکمی که ذیحق ادعا دارد دلایل مکنی نباشد، طبعاً حکم می‌دهد. فرض کنید حق به حق دار نرسید، این‌جا فصل خصومت شد و قاضی حکم خود را صادر کرده است، اما حق به حق دار نرسیده است. اولاً این طرف باید مسئله را برای روز قیامت بگذارد، چون ما مسلمانیم و اسلام ما این را می‌گوید و حق ندارد دعوی را پیگیری کند. ثانیاً دعوی فیصله پیدا می‌کند. در اینجا نگاه کنید، حق به حق دار نرسیده ولی قضاوت صحیح، شرعی و قانونی انجام شده است. اینجا

آن‌هایی که می‌گویند قضاوت به معنای فصل خصومت است، فصل خصومت هم شد. اگر مردم ما بدانند که دادگستری و قاضی به دنبال احقاق حق آن‌ها نیست، آن‌ها باید مدارک و شهود خود را به دادگاه ارائه نمایند و با ادله محکمه پسندی حق را از قاضی و محکمه بخواهند. این جاست که قاضی رأی می‌دهد. اگر مردم ما این را بدانند دیگر نمی‌گویند که ۵ یا ۱۰ سال است که به دادگستری مراجعه می‌کنیم و حق به ما نرسیده است. خود این روش و برنامه دارد.

■ با سطح خواندن نمی‌توان قاضی شد

در این راستا که ما قضاوت را به معنای فصل خصومت بگیریم دو کار باید انجام شود. برای این‌که حق به حق دار برسد و عدالت آن‌طوری که هست اجرا شود اولاً دانشگاه‌های ما باید آموزش‌های کافی و لازم مطابق برنامه روز را به دانشجویان قضایی از نظر علم قضاوت و دانش و آگاهی هم در روش و آیین دادرسی‌ها و هم در نحوه قضاوت و بعد صدور حکم و تحقیقات لازم، ارائه دهند. همین‌طور عزیزان ما که از حوزه به قوه قضائیه می‌آیند. ما در فقه داریم که قاضی باید مجتهد مطلق (فتوای حضرت امام) باشد. بعضی از فقها مانند مرحوم صاحب‌جواهر، «قضاوت عن تقلید» را اجازه می‌دهد. منتها قید دارد، قاضی باید قضاوت را بلد باشد و معنی تقلید و مقلد را بداند. یعنی یک بهره‌ای از علوم و قضای اسلامی برده باشد و بعد عن تقلید قضاوت کند. بنده معتقدم کسانی که سطح می‌خوانند با سطح خواندن نمی‌توانند قاضی اسلامی شوند. در زمان قدیم می‌گفتند کسی که حوزوی باشد و بخواهد قاضی شود اگر سطح خوانده باشد باید دادیار شود و کسی که بخواهد قاضی محکمه در پایین‌ترین رتبه قضاوت باشد باید حداقل دو سال درس خارج و قضاوت خوانده باشد. همان موقع سروصدای ما بلند بود که آقایان کم است. بنده استدعا می‌کنم، از فقهای عظام، مدیران محترم حوزه علمیه قم و مشهد که دیگر

سطح را وارد دستگاه قضایی نکنند، کسانی قاضی شوند که دکترای حقوق داشته باشند و کسانی بیایند از حوزه و قاضی شوند که به قول صاحب‌جواهر (رض) بهره‌ای از علم قضا برده باشند و بعد شروع به کار قضایی کنند.

■ حداقل کارشناسی ارشد برای قضات

اگر در همه کارها نیروی جوان و مناسب و خوب وجود دارد اما در دستگاه قضایی هرچه معلومات و تجربه انسان بالاتر باشد تحقق عدالت و وصول به حق به واسطه تجربه آسان‌تر است و با طمأنینه بیشتر می‌تواند این کار را انجام دهد. باز من خودم از کسانی هستم که در بدو ورود جناب آقای آیت‌الله شاهرودی از ایشان تقاضا کردم که دانشکده علوم قضایی را منحل کنند. فوق دیپلم یا لیسانس به درد نمی‌خورد، حداقل فوق لیسانس و دکتری بگیرند؛ تا از یک مایه علمی بالاتری برخوردار باشند. این برنامه و دیدگاه‌های من در مورد قضات است.

■ حداقل لیسانس برای کارمندان

همین نگاه را در مورد کارمندان داریم. من می‌گویم کسی که می‌خواهد مدیر دفتر دادگاه باشد، دادگاه تجدیدنظر، کیفری استان، دیوان عالی کشور و مثلاً دیوان عدالت، اولاً باید لیسانس حقوق داشته باشند و ثانیاً از یک تجربه حداقل ۱۰-۱۵ ساله برخوردار باشند نه این‌که دیپلم باشد یا فوق دیپلم باشد یا به صرف این‌که چند سال تجربه دارد، مدیر دفتر دادگاه کیفری استان یا تجدیدنظر یا دیوان عالی کشور کنیم. این غلط است. او با به پای قاضی راه می‌رود، درست است که در سمت کارمندی است. اما او تمام کارهای قاضی را درجه‌بندی می‌کند. او هم باید در این سطح باشد. این یکی از برنامه‌هایی است که من اعلام کردم و الآن هم تقاضا می‌کنم. بعد منشی دادگاه، امروز منشی دادگاه نباید کمتر از لیسانس باشد. ما اگر کار قضا را در محکمه بررسی کنیم می‌بینیم این کیبوتر در محکمه

▼ پس از ورودم به دادگستری، رقتم سراغ آموزش و به آقای زندی عرض کردم دست شما در رابط آموزش به طور مطلق باز است، هم نسبت به آموزش قضات و هم آموزش کارمندان.





به استدعا می‌کنم، از فقهای عظام، مدیران محترم حوزه علمیه قم و مشهد که دیگر سطح را وارد دستگاه نمی‌کنند، کسانی قاضی شوند که دکترای حقوق دانسته باشند و کسانی بیابند از حوزه و قاضی شوند که صاحب جواهر (رضی) بهره‌ای از علم قضا برده باشند و بعد کار قضایی را شروع کنند

دو بال دارد، یک بالش که موتور اصلی به آن وصل است قاضی است و بال دیگرش کارمندان عزیز ما هستند. این کارمندان هم باید اولاً از نظر علمی رده خوبی داشته باشند ثانیاً از نظر گزینش، آموزش و تأمین معاش زندگی. اگر این‌ها باشند آن عدالتی که حضرت آیت‌الله شاهرودی و آن عدالتی که ولی امر مسلمین جهان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) دنبال آن هستند محقق می‌شود وگرنه اگر از این شاخه به آن شاخه پریم و این دستور و آن دستور را صادر کنیم چه بنده و چه دیگران، به جایی نمی‌رسیم. من خیلی امیدوار هستم که این کارها انجام شود.

چرا فرمایش امام را حل تحقق نیافته است؟

در اوایل انقلاب عده‌ای از شورای عالی قضایی و قضات آن موقع به محضر مبارک حضرت امام رفته بودند. (بنده خودم شخصاً از مرحوم امام (ره) که حقیقتاً مثلش نیامده و نخواهد آمد مگر امام زمان این را شنیدم). ایشان فرمودند اگر تا ۲۰ سال دیگر بتوانید قوه قضائیه را اصلاح کنید، خیلی کار کرده‌اید. این معنایش چیست؟ در یک تحلیل ساده معنایش این است که حضرت امام این خطر را می‌پذیرند که تا ۲۰ سال دیگر احتمال دارد عدالت آن‌گونه که نظر مبارک ایشان و اسلام تست پیاده نشود. آن موقع دستور می‌دهند که بروید و برای ۲۰ سال آینده قوه قضائیه را درست کنید که ۲۰ سال آینده قوه قضائیه ما یک قوه قضائیه اسلامی باشد. من نمی‌خواهم که زحمات آقایان را زیر سؤال ببرم. من کوچکتر از آن هستم که این کار مدنظرم باشد، من دست شورای عالی قضایی مخصوصاً حضرت آیت‌الله موسوی اردبیلی، حضرت آیت‌الله شاهرودی و حضرت آیت‌الله یزدی را می‌بوسم و افتخار می‌کنم که در خدمت این بزرگان و سایر بزرگان دیگری بوده‌ام و به دستور ایشان کار کرده‌ام. اما من می‌گویم در اوایل

انقلاب امام این را می‌فرمایند و بعد از دو دهه آیت‌الله شاهرودی می‌آیند و می‌فرمایند: توسعه قضایی و آن تعبیری که من دیگر نمی‌گویم، تحویل گرفتیم. چرا باید این جور باشد. این است که من پس از ورود به دادگستری، رفتم سراغ آموزش و به آقای زندی عرض کردم دست شما در رابطه با آموزش به طور مطلق باز است. هم نسبت به آموزش قضات و هم آموزش کارمندان. هیچ فرقی قائل نشدم. همیشه در تمام جلسات این را گفته‌ام. برگردیم به صحبت امام، امام آن جمله را می‌فرمایند، تا این که بعد از گذشت ۲۰ سال حضرت آیت‌الله شاهرودی بحث توسعه قضایی را مطرح می‌کنند. یعنی قوه قضائیه هنوز به آن معنایی که مدنظر حضرت امام بوده نرسیده است. سؤال این است که چرا نرسید؟ ما می‌گوئیم که قضات و کارمندان ما باید این ویژگی‌ها را داشته باشند و بنده ادعا می‌کنم که ما قضات و کارمندان شایسته، خدوم و شریف داریم، آیا ما به حد کافی داریم؟ خیر. آیا با این تفکر در قوه قضائیه چند نفر مدیر داریم. هرچه آقای شاهرودی می‌گویند کسی نیست که پیام ایشان را بفهمد و اگر می‌فهمد عمل نکند. ما می‌گوئیم حضرت آیت‌الله شاهرودی با چند برنامه کلان حساب شده که همه اساتید دانشگاه، وکلای میرز، قضات عالی رتبه کشور و همه و همه آن را ببینند و بررسی کنند در نظر بگیرند و به تدریج پیاده کنند، پنج سال آینده را سپری کنند و یک کار این جوری به جامعه ارائه بشود.

بنابراین این آدم‌ها فکر جوان داشته باشند، یعنی آدم‌هایی کم حوصله نباشند، آدم‌هایی نباشند که فکر آن‌ها مثل صدسال گذشته باشد، آدم‌های باتجربه ۵۰ سال پیش باشند اما با فکر امروز. حرف من این است. اگر این‌گونه باشد قوه قضائیه می‌تواند که به سمتی که آقای شاهرودی به دنبال آن است به پیش برود.

برای این می‌گویم آقای شاهرودی که ایشان یک مجتهد مسلم و دارای مبنای فقهی، علمی و حوزوی هستند. چون دارای مینا و فکر هستند می‌توانند گروهی بنشینند و در قالب‌های مناسب در بیاورند و در وقت خودش به مرحله اجرا در آورند، نه این که افراد جوان بی تجربه، کم تجربه یا عقده‌ای بیابند و هر روزی یک برنامه، هر روزی یک تز و هر روز یک حرفی. این‌ها قوه قضائیه را خراب می‌کند. خدا می‌داند که من این قدر در قوه قضائیه رنج بردم؛ برای این که می‌بینم تمام فرمایشات مقام معظم رهبری به تناسب‌هایی که داشته‌اند، چندین بار به دقت مطالعه کرده‌ام؛ فرمایشات و دستورات حضرت آیت‌الله شاهرودی که در موضوعات مشتت و مختلف بیان و صادر کرده‌اند، چندین بار به دقت مطالعه کرده‌ام و با کارشناسان تجزیه و تحلیل کرده‌ام، باز می‌بینم هنوز در مقام عمل دچار اشکال است. حالا یا لایحه تحقیقی درست نمی‌شود یا لایحه در دولت متوقف می‌شود یا پس از دولت در کمیسیون مجلس باز می‌ماند و خلاصه پیش نمی‌رود. از آن طرف مختصری اطلاعات فقهی دارم. حدود ۲۶-۲۵ سال تجربه عملی دارم، جزو مدرسین دانشگاه هستم، آیین دادرسی و قوانین مدنی را تدریس می‌کنم، اوضاع را هم که می‌بینم، می‌بینم آن طور که شایسته نظام جمهوری اسلامی است و آن طوری که حضرت آیت‌الله شاهرودی تأکید دارند و به ما ائلاء می‌کنند پیش نمی‌رود و نتیجتاً اطاله دادرسی آن طوری که باید و شاید رفع نمی‌شود، عدالت آن طوری که باید و شاید محقق نمی‌شود، البته من نمی‌گویم که عدالت اجرا نمی‌شود بلکه می‌شود ولی زمان می‌برد. قضاوت سهل و آسانی که شایسته نظام است هنوز برای مردم درست نشده است.

با هزینه در آموزش احساس خسران نکنیم

آموزش چه آموزش قوه که حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا جواهری با زیر مجموعه ایشان آن‌جا کار می‌کنند، با انگیزه، تعهد و تخصص کار می‌کنند و چه آقای زندی با مجموعه ایشان که زیر نظر دادگستری استان تهران کار می‌کنند، که من هرچه توان داشتم در خدمت معاونت آموزش در آوردم، کلینیک حقوقی دایر کردیم، به آقای زندی گفتیم از زبده‌ترین اساتید حوزه و دانشگاه استفاده بکنید. برای کارمندان عزیز، ما در کار کارمندان، چه دانشگاهی و چه غیر دانشگاهی و چه وکلا و چه غیر وکلا بیاورید و استفاده بکنید و هرچه هم ما در آموزش هزینه کنیم، هزینه نیست بلکه سرمایه در جیب انداختن است، این سرمایه‌گذاری برای تحقق عدالت است و هیچ احساس خسران نمی‌کنم. این‌ها برای تحقق عدالت اسلامی و حقوق است.

ابتدا آیت‌الله شاهرودی در دور اول به ما کمک کردند و به ما پول می‌دادند و ما هم ماه به ماه به آن‌ها صورت هزینه می‌دادیم، دائماً هم می‌گفتیم؛ حضرت آیت‌الله شاهرودی هر کدام از هزینه‌هایی که مورد موافقت شما نیست بفرمایند تا ما انجام ندهیم و هزینه نکنیم، ایشان همیشه تأیید می‌فرمودند. دور دوم که شروع شد، بودجه ما چنان قطع شد که تعبیر من این ←

است؛ «قربندش کردند». دست ما بسته شد، به ما نطمه خورد، آموزش ما نطمه خورد، باز هم به معاونت اداری مالی دستور دادم، به بقیه ستاد دادگستری تهران دستور دادم که حتی الامکان کارهای آموزش به تعطیلی و سردی نگرایند و کمک کنید و به هر طریق قانونی که ممکن است در اختیار معاونت آموزش بودجه قرار دهید. چون ما با دانشگاه‌های معتبر کشور قرارداد بستیم که آنهایی که فوق لیسانس دارند دوره دکتری ببینند و به این امورات من افتخار می‌کنم. الحق و الانصاف دانشگاه‌ها و حوزه علمیه قم استقبال کردند و ما داریم بهره می‌بریم و امیدواریم که سود این کارها به نفع جمهوری اسلامی خواهد بود، آن هم در قوه قضائیه در دادگستری تهران و در راستای فرمایشات حضرت آیت‌الله شاهرودی. قبل از این هم گفتم هزینه در آموزش، هزینه نیست بلکه سرمایه و پس انداز است و من قبول ندارم که این هزینه است. بلکه باید این کارها انجام بگیرد. البته در این اواخر روزه‌هایی دیدم که

می‌شود. پرونده‌های مهم و سنگینی داریم که اگر به یک پرونده درست رسیدگی نشود ممکن است تمام کشور را با بحران مواجه کند. پرونده داشته‌ایم که ۷۰۰ هزار شاکی داشته است، پرونده‌هایی داریم در مجتمع شهید بهشتی که عمده‌ترین و بزرگ‌ترین شرکت‌های این کشور در محدوده این مجتمع است. بروید و نگاه کنید پرونده‌هایی داریم که از نظر کیفی بسیار سنگین است. متأسفانه ستاد قوه قضائیه توجه نکرد و من از این جهت گله مندم و این گله را منعکس می‌کنم و همیشه هم به خدا می‌گویم که خدایا کاری کن که من مسئول نباشم و این قدر من گله مندم که اگر اجازه می‌داشتیم عقده‌های دلم را باز می‌کردم ولی شاید مصلحت نباشد و باز نمی‌کنم و به شخص آیت‌الله شاهرودی به عنوان زعیم و رکن عظیم این قوه عرض خواهم کرد. کدام خانه در تهران اجازه‌اش کمتر از ۲۰۰ یا ۱۵۰ هزار تومان است. کارمند ما رفته ۴۰ متر خانه اجاره کرده و ۵ میلیون تومان پول پیش داده و ماهی

صحبت نکرده‌ام و نمی‌کنم. حقوق نمی‌خواهم، منظورم حقوق ماهانه نیست. می‌گویم هر سمتی که می‌خواهید به من بدهید. دنبال سمت نبوده و نیستم. پیگیر چیزی برای خودم نیستم. وقتی می‌بینم کارمند ما به دکتر می‌رود و پول برای درمان مرضی بچه‌اش ندارد، حاضریم بچه من این جوری باشد ولی بچه کارمند من این جوری نباشد. وقتی که می‌گویند فلان کارمند بچه‌اش پدر یا مادرش فوت کرده و هزینه کفن و دفن او را ندارد، من این جا حالم منقلب می‌شود؛ این کارمند ماست، این خدمتگذار نظام ماست، این دارد برای نظام کار می‌کند و برای خرج اولیه و یومیه زندگی‌اش مانده است. خوب می‌دانید که چقدر برای من سخت است. ما انتظار داریم که در اجرای عدالت «کما هو» کمک کند، سخت است. خود کارمندان می‌دانند من به اندازه‌ای دنبال احقاق حق آن‌ها هستم هیچ وقت در طول عمرم یادم نمی‌آید که گفته باشم من هم این جوری‌ام. ما طلبه‌ایم با نام و ماست هم ساخته‌ایم. ما طلبه‌ها در حوزه‌های علمیه این گونه بزرگ شده‌ایم. همین آقای شاهرودی و مقام معظم رهبری، من از داخل زندگی آن‌ها کم و بیش خبر دارم، خدا می‌داند در پایین‌ترین سطح زندگی افراد زندگی می‌کنند. بیرون و محل کار را نگاه نکنید، مسئولند و مجبورند. اما کارمند داریم در سخت‌ترین شرایط زندگی می‌کند و کارمندان می‌آیند و با هم صحبت می‌کنند و من آب می‌شوم. چگونه می‌توانم به بعضی کارمندان بگویم، کمک کن، زود بیا، دیر برو. با همه این موارد کارمندان این قدر شریف و به قدری متدین و متعهد هستند که غالب آن‌ها با انگیزه اعتقادی و دینی کار می‌کنند.

■ ماهنامه قضاوت هنوز در نیمه راه است

به آقای زندی که مسئول آموزش و مدیر این ماهنامه هستند عرض کردم و گفته‌ام، البته از اساتید دانشگاه و از خود قضات شنیده‌ام، حتی خیلی از قضات استان‌های دیگر هم تقاضا کرده‌اند که ماهنامه را برای ما هم بفرستید و استفاده می‌کنند. اولاً چرا خود قوه قضائیه از این ماهنامه استفاده نمی‌کند. خود قوه قضائیه بایستد این ماهنامه را بگیرد. با پول قوه قضائیه درست شده، با پول قوه قضائیه کار کارشناسی و برنامه‌ریزی شده، با پول قوه قضائیه چاپ می‌شود، خوب چرا قوه قضائیه از این استفاده نمی‌کند. قوه بایستد و هزینه آن را تأمین کند، چون ما بیشتر از این نمی‌توانیم. به همه قضات کشور بدهد. اساتید دانشگاه، تهران که مجله را خوانده بودند خیلی تعریف کردند. من که شنیدم خوشحال شدم و گفتم؛ الحمد لله. به مناسبتی جایی می‌روم می‌بینم که خیلی از قضات از این ماهنامه تعریف می‌کنند. اولاً می‌بینم خود ستاد قوه قضائیه بایستد و ببیند که چه دارد تولید می‌شود. ثانیاً من می‌گویم آقای زندی معاونت محترم آموزش دادگستری استان تهران و مسئولان مجله قضاوت از شما سؤال می‌کنم، از خود شما، این خوب است و مورد استقبال اساتید دانشگاه و همه دانشجویان قرار گرفته اما آیا این ماهنامه قضاوت همان ماهنامه‌ای است که ما دنبال آن هستیم یا هنوز به سوی کمال راه

▼ الان در معاونت آموزش کاری که شده این است که تمام قوانین در سایت قرار گرفته است. دادگستری تهران تمام قوانین را موضوع بندی، عنوان بندی و درجه بندی کرده و در سایت‌ها هست.



امیدوارم این برنامه‌ها تحقق پیدا کند.

■ تفاوت‌های دادگستری تهران با سایر مراکز

آمدند دادگستری تهران را مانند دادگستری‌های دیگر قلمداد کردند. نمی‌خواهم زحمات دیگر دادگستری‌ها را نادیده بگیرم. خودم مدتی در دادگستری مشهد و مدتی در دادگستری کرمان مسئول بودم. آن‌هایی که در دادگستری‌های دیگر فعالیت می‌کنند می‌دانم که زحمت می‌کشند می‌دانم که با کمبود قاضی و کارمند و بودجه و امکاناتی که دارند واقعاً ایثار می‌کنند و خداوند به آن‌ها جزای خیر عطا خواهد کرد. دادگستری تهران مرکز و أم القری است. شما نگاه کنید، ویژگی‌هایی که دادگستری تهران دارد نه در کشور و نه هیچ جای دنیا ندارد. به مسایل تمام نماینده‌ها، قضات، اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزرا، فرمانداران و استانداران و امثالهم در دادگستری تهران رسیدگی

۲۵ هزار تومان اجاره می‌دهد. می‌گویم شما به این کارمند تهرانی ۳۰ هزار تومان می‌دهید و به آن کارمندی که در اقصی نقاط کشور است همین مبلغ را پرداخت می‌کنید، این ظلم به کارمندان تهران است. در بحث سرویس در شهرها و بخش‌های کوچک پیاده به منزل می‌رسند اینجا (تهران) از این طرف تا آن طرف شهر با مترو یا خط یا ماشین خودش که برود ببینید که چقدر هزینه دارد. متأسفانه ستاد می‌گوید دادگستری تهران هم یک دادگستری است؛ کارمند دادگستری تهران یک کارمند قوه قضائیه است و کارمندان فلان دادگستری یک کارمند قوه قضائیه است. من این را قبول ندارم، اعتراض کردم و الان هم اعتراض می‌کنم و حضرت آیت‌الله شاهرودی باید به این مسئله رسیدگی بکنند.

■ طلبه‌ایم، با نان و ماست هم ساخته‌ایم

اولاً من هیچ وقت از حقوق خودم و در هیچ جا

معنای این نیست که سیاست را نفهمید. اما در امر قضاوت صرف قضاوت را در نظر بگیرید و قضاوت بکنید. الان در معاونت آموزش کاری که شده این است که تمام قوانین در سایت قرار گرفته است. آگهی هایی در مجلات و روزنامه ها منتشر کنید که دادگستری تهران تمام قوانین را موضوع بندی کرده، عنوان بندی و درجه بندی کرده، در سایت ها هست و هر کس می خواهد با این کد با این شماره (با این آدرس) مراجعه کند و استفاده بکند. در همین سایت مردم را می توان

ما می توانیم در آموزش بیشتر از این کار کنیم. البته مشکلات بودجه وجود دارد که من دنبال می کنم و از آیت الله شاهرودی می خواهیم که انشاء الله حل بکنند.



آموزش داد. این که می گویم مردم فقط مردم ایران نیست. قسمت هایی از سایت به زبان عربی به زبان انگلیسی و به زبان فرانسوی می باشد تا آن ها ببینند که ما هم قانون داریم تا ببینند چه قوانین مترقی داریم. ما می توانیم در آموزش بیشتر از این کار کنیم. البته مشکلات بودجه وجود دارد که من دنبال می کنم و از آیت الله شاهرودی می خواهیم که انشاء الله حل بکنند، اما تا حالا به هر ترتیبی که شده ما نگذاشته ایم که این مشکل بودجه به معاونت آموزش سرایت بکند. ما جاهای دیگر را تحت فشار قرار داده ایم و سعی کرده ایم مشکلات این معاونت را به نحوی حل بکنیم. #

می شویم و گیر می کنیم، چه جوابی می توانیم بدهیم؟ او می گوید آقا من ۲ سال است که می دوم، از پله های دادگستری هی بالا و پایین می روم، هر روز می روم پاسگاه، هر روز می روم کانون وکلا، هر روز می روم کانون کارشناسان دنبال کارشناس و وکیل و این ها یا پزشکی قانونی مثلاً. ۲ ماه و ۱۰ ماه به درد من نمی خورد، پرونده من کی تمام می شود؟ ما این را نمی توانیم جواب بدهیم. ما باید برای این یک برنامه ای داشته باشیم، آموزش باید فکر کند که چه کار کند، چه طرح و برنامه ای کمک می کند تا مردم در تشکیلات قضایی معطل نشوند. من همیشه در جلسات به قضات و کارمندان می گویم، خدایی - پیغمبری، اگر خود ما کاری در این دادگستری ها داشتیم و به ما بگویند برو فردا بیا، برو یک ماه دیگر بیا، چه حالی به ما دست می دهد؟ یقین بدانید آن چه را که برای ما پیش می آید برای مردم دیگر هم هست. منتها مردم مجبورند و از مجبوری به تشکیلات قضایی می آیند و این مردم شریف، متدین و خوب کشور ما که واقعاً خوب اند، این مردمی که مانندشان را در هیچ کجا سراغ نداریم، این قدر به نظام و رهبرشان و سیستم اداره مملکتشان وفادار هستند در هیچ کجا ندیده ام. همین مردمی که این قدر انتقاد دارند، همین مردم ۲۲ بهمن می آیند و مشت محکمی به دهان یارو گویان می زنند. الان در همین انتخابات دیدید که مردم چقدر استقبال کردند. این برای ما ایجاد تکلیف می کند. اگر به ما مراجعه کردند ما باید به نحو احسن جواب آن ها را بدهیم. قوه قضائیه دنبال این معنا است. آموزش این جا می تواند نقش و سهم بسزایی در تحقق این معنا و ارائه طرق اولی ایفا کند.

■ در آموزش باید بیشتر از این کار کنیم

در جلسه ای یکی از مراجع تقلید شیعه که الان در قم تشریف دارند روزه آقای شاهرودی می کند و می گویند: شما الان در کشور شورای حل اختلاف راه انداختید. این کار خوبی است. کار مردم به صلح و سازش می رسد و مردم گرفتار پاسگاه و دادگاه و زندان و قاضی نمی شوند. بعد می گویند، آقای شاهرودی یک ایراد به این کار شما دارم. چرا ۲۷ سال است که انقلاب کرده ایم و دیر به این فکر افتاده اید؟

ما که سایت اینترنتی داریم. ما که مجله قضاوت داریم. ما الان در همین آموزش در حد خودمان می توانیم به دنیا بگوییم؛ دنیا اگر شما امروز می گویند، ما ۱۴۰۰ سال پیش این را داشته ایم. در قوانین قبل در قانون مدنی هم که نگاه کنید، مسئله داور و داور و تحکیم هم آمده است. در مقام عمل ما عمل نکرده ایم. آقای شاهرودی می گویند که چرا این ها را به مردم نمی گویند؟ این همه کار خوب ما کردیم، این همه برنامه خوب داریم، چرا به جامعه عرضه نمی شود؟ بعد می آیند کسی یا مثلاً پرونده ای را سیاسی می کنند و می گویند قوه قضائیه کار سیاسی می کند. در حالی که قوه قضائیه از سیاست فرار می کند و خود من از روز اول به مسئولان و قضات می گویم که تحت هیچ شرایطی دنبال سیاست نروید. سیاست فهم باشد اما کار قضایی بکنید. این

دارد. می گوئیم هنوز ما در نیمه راه هستیم، سعی بکنید بر بارتو بشود. سعی بکنید پله های تکامل را پیماییم و باید روز به روز با فکر نو مطالب نو و اندیشه بدیع روزه تکامل برود که همه نگاه کنند، قضات ببینند بهره ببرند، دانشجویان بهره ببرند، کارمندان بخوانند و بهره ببرند. حوزویان محترم بخوانند و بهره ببرند. از هر کسی در این زمینه تخصص دارد بهره بگیریم. از اساتید حوزه، از خارج بهره بگیریم. چه اشکالی دارد که ما از تجربه های خارج در دادرسی ها و برنامه های تحقیقاتی استفاده بکنیم.

■ از فکر و علم اساتید محروم نمی مانیم

یادم می آید که روزی آقای زندی گفتند که فلان استاد را دعوت کنیم ولی فکرش این است. گفتم همین که استاد و مسلمان باشد، ما که نمی خواهیم خود را از علم و دانش او محروم کنیم که فکر ما را قبول ندارد. ما به انیسه و علم او کار داریم. او را بیاورید و از علم و اندیشه او استفاده کنید. او به روش و عقیده خودش و ما به عقیده خودمان بائیم. ما در این جا مرز را هم نمی شناسیم. چون وقتی پیامبر ما می گویند: «اطلب العلم ولو بصین». آن زمان پیامبر می گفتند که دنبال دانش بروید ولو در چین باشد. آن زمان چین که مسلمان نبود که از آنان دین اسلام یاد بگیریم. آن زمان بوداییان بودند. دانشجویان ما از اینجا به فرانسه می روند نزد اساتید آن جا درس می خوانند اشکال ندارد؟! بعد اینجا بهترین استاد دانشگاه را داریم، چون فکر ما را قبول ندارد یا ما فکر آن ها را قبول نداریم می گوئیم تو فلان جناحی ما فلان جناح. بنده اصلاً این حد و مرز را نمی شناسم، دانشجویان ما باید ببینند، قضات ما، کارمندان ما، از وکلای متعهد البته باید دنبال بهترین برویم. البته اگر نشد چه اشکالی دارد. ما وکلایی داریم که واقعاً استادند. مدت های مدیدی در دادگستری، آیین دادرسی تدریس کرده اند. الان ما استادی داریم که به خارج می روند و در آن جا تدریس می کنند و به ایران برمی گردند. خارجی ها از دانش آن ها استفاده می کنند ولی ما استفاده نمی کنیم. این ضرر نیست؟! ما باید دانشجویانمان را از نظر فکری و فرهنگی بسازیم. اما آن استاد هم علمش را ارائه می دهد و از حضورش استفاده بکنیم و استفاده هم می کنیم. بحث دیگر این که ما باید مدیر تربیت کنیم. مثلاً الان اگر آقای شاهرودی تصمیم بگیرند، ۱۵ مدیر به هر دلیل عوض کنند، آیا مدیر دارند که جایگزین کنند. من می گویم باید ۱۰۰ مدیر آماده باشند و از بین آن ها بهترین را انتخاب کنند.

■ آموزش برای کاهش مراجعات برنامه بدهد

چون در هفته قوه ملاما می گویم که چه کار کرده ایم، اطلاع دادرسی را این قدر کم کرده ایم، مثلاً می گوئیم که وقت ۱۴ ماهه را به ۳ ماهه آورده ایم. کسی می آید و می گوید شما وقت ۱۴ ماهه را به ۲ ماه آورده اید، من این حرب ها سرم نمی شود، من ۲ سال است که در دادگستری شما می دوم و هنوز اول خط هستم. چرا این جور است، چه کار کنیم؟ خوب وقتی که ما این حرف را به جامعه می گوئیم آن وقت با این سؤال مواجه